

ظهور مد و فشن در مشهد تجدد زده

زنان و مردان آزاده و دین‌دار در سال‌های سیاه کشف حجاب رضاخانی چه شیوه مبارزاتی را پیش گرفتند؟



هما سعادت‌زاده

تاریخ ثبت‌شده در مطبوعات و جراید سال‌های سیاه کشف حجاب رضاخانی می‌گوید تبلیغ برای طبیعی کردن موضوع از سر برداشتن روسری در روزگاری که رسانه‌ای نبوده، با برگزاری همایش‌ها و جشن و پارتی‌های مختلط و برگزاری تئاتر و نمایش‌هایی با موضوع زن متمدن در مدارس دخترانه انجام می‌شده است. حضور در این مهمانی‌ها و همایش‌ها که اعضای اصلی آن را کارکنان و کارمندان ادارات دولتی و رجال وابسته به دربار تشکیل می‌دادند، برای دیگران نیز آزاد بوده، چندان که نشانی و ساعت برگزاری آن در جراید و مطبوعات سال ۱۳۱۴ خورشیدی اطلاع‌رسانی می‌شده است. پس از پایان این میهمانی‌ها نیز دوباره خبر آنچه انجام گرفته و گفته شده باز در روزنامه‌ها نوشته می‌شده است تا به اصطلاح خودشان، جریان عادی‌سازی این مسئله را در اذهان و افکار عمومی با موفقیت پیش ببرند. برای نمونه، روزنامه «شهامت» در ۲۷ دی ۱۳۱۴، یعنی ۱۰ روز پس از تصویب قانون کشف حجاب، می‌نویسد: «شب جمعه مجلس مجلل و باشکوهی به دعوت انجمن خطابه محصولات، مرکب از عموم رؤسای دوایر و محترمین که به اتفاق خانم‌های خود تشریف آورده بودند، منعقد و نطق‌های مؤثری در باب موضوع حجاب ایراد گردید. این روزنامه هم چنین همان روز در خبر دیگری می‌نویسد: «خانم‌های یک عده از اشخاص منورالفکر و مستخدمین ادارات با نهایت متانت رفع حجاب نموده و به طور معقولانه ایاب و ذهاب می‌کنند.» ناگفته نماند که این دست تبلیغات تنها مختص به زنان نبود و حکومت وقت تلاش می‌کرد با برگزاری جلسات سخنرانی در میان کارکنان ادارات دولتی، این موضوع را برای مردان نیز طبیعی کند یا دست کم برای پذیرش این اجبار تحت فشار قرار دهد. یکی دیگر از جراید مشهد در ۵ بهمن ۱۳۱۴ با اشاره به حضور رئیس یکی از ادارات و سخنرانی درباره ارج نهادن به قانون از سر برداشتن چادر در میان کارمندان، می‌گوید: «دیروز از طرف آقای معقول رئیس محترم ثبت ایالتی خراسان دعوتی از آقایان محاضر (محضرداران) در اداره به عمل آمده، شرحی در اطراف ورود زنان به جامعه و مرحله تمدن و تجدد و رهنشیدن آن‌ها را از قید چادر ایراد نموده، با آن ظرافت بیان که واقعا منحصر به خود ایشان است. بیشتر آقایان مدعوین خشنود و در نتیجه مجلس به دعای بقای ذات شاهنشاهی خاتمه یافت.» در این میان، زنان و مردان آزاده و دین‌دار بسیاری که حاضر به پذیرش این اجبار نبودند، شیوه‌های مبارزاتی خاصی را در پیش می‌گیرند که حاضر نشدن در پارتی‌های مختلط، استعفا از کارهای دولتی، خانه‌نشینی‌های چندساله و مد شدن تیپ و پوشاکی که تا آن روزگار دیده نشده بوده از زمره این راه‌هاست که در واقع شیوه‌ای از مقاومت و مبارزه پنهان مردمی است.

۱۲ دی‌الحجه ۱۴۴۳ شماره ۳۷۱۰

(۷)

سر باززدن از میهمانی رفتن به بهانه‌های گوناگون

بر واضح است که در جامعه مذهبی و سنتی ایران آن روزگار، تصویب طرح برداشتن حجاب از سر زنان واکنش‌های مخالف زیادی به دنبال داشته است، واکنش‌هایی که دامنه چندگانگی و تضادگونه آن حتی به دربار هم رسیده بود اما این طرح به ناچار عملی می‌شود. عده اندکی از زنان، همان ابتدا با سازش و پذیرش آن، خود را از تحمل هرگونه شرایط سخت رها می‌کنند، ولی بسیاری از آن‌ها می‌مانند و به شیوه‌های مختلفی مبارزه می‌کنند. این ایستادگی از دربار تا عوام به شیوه‌های متفاوتی بروز و ظهور می‌یابد.

برای نمونه، در بخشی از این روایت‌های تاریخی می‌بینیم علاوه بر عموم مردم، حکومت‌داران و صاحب‌منصبان نظامی و حکومتی بسیاری نیز گرچه به ظاهر با این طرح موافقت می‌کردند، در اندرونی خانه‌هایشان از اینکه محارشان چادر از سر بردارند مشکل داشتند. زنان بسیاری از این درباریان هم مدت‌ها خانه‌نشینی را به سربره‌نگی ترجیح دادند. این یعنی اجبار از سر ترس در پذیرش طرحی که شکست آن از پیش مشخص بود. در یکی از اسناد این دوره آمده است در میهمانی‌ای که یکی از سران حکومتی ترتیب داده بود، تعدادی از رجال حکومتی تنها حاضر شده و هر یک برای حضور نیافتن همسرانشان بهانه‌ای تراشیده و موضوع را به نوعی رفع و رجوع کرده بود. یکی گفته بود همسرش ۹ ماهه باردار است و دیگری یادرد بوده و آن یکی طفل بیمار داشته است و بسیاری از این دست. در سند دیگری از مشهد نیز آمده است پاکروان، استاندار، دی‌ماه ۱۳۱۴ خورشیدی، میهمانی بزرگی ترتیب می‌دهد و از زنان درباریان و وابستگان حکومتی به صرف جای و عصرانه دعوت می‌کند، اما تعداد انگشت‌شماری از زنان دعوت‌آور می‌پذیرند.

دوخت لباس‌هایی جدید و رواج تیپ‌های جدید پوشیده

واکنش بعدی به این طرح که در نوع خود جالب است مد شدن نوعی از تیپ و فشن در لباس‌های زنان آن روزگار است که می‌کوشد با تغییر در لباس زنان غربی، نوع پوشش دارای حجاب را رواج دهد. مد شدن کلاه‌های بزرگ و روسری‌ها و مانتوهای بلند با یقه‌های افتاده برای پوشاندن برجستگی‌های بدن از آن جمله است. در واقع، در این دوره، برخی زنانی که ناچار بودند از خانه بیرون بروند چادر از سر برمی‌دارند و کلاه فرنگی هم بر سر می‌گذارند، اما زیر کلاه روسری سر می‌کنند و برای اینکه این روسری زیاد توی چشم نباشد، یقه پیراهن یا روپوش خود را بالا می‌دهند. پوشیدن چارقد‌های بلند، استفاده از جوراب‌های ضخیم و پیراهن‌های گشاد و بلند هم یکی دیگر از این راهکارهاست. این دست تیپ‌ها آن قدر شایع می‌شود که گزارش آن را در سندی به تاریخ فروردین ۱۳۱۵ خورشیدی می‌توان مشاهده کرد: «از قرار اطلاعاتی که می‌رسد، زنان در ولایات با چارقد در معابر عبور و مرور می‌کنند و حتی برخی خود را به طور مضحک به اشکال عجیب و غریبی درآورده و مستور می‌دارند. چون ادامه این وضعیت غیر مطلوب و باعث مسئولیت است، اکیدا مقرر می‌گردد نهایت مراقبت و مواظبت در این باره را به عمل آورید.»

ظاهر شدن با چادر رنگی در کوچه و خیابان

طرح کشف حجاب در سال‌های نخستین با دشواری‌ها و بگیروبندهای بسیاری همراه بود اما مبارزه مردم آن قدر ادامه می‌یابد که کم‌کم از این فشارها به‌ویژه در شهرستان‌ها کاسته می‌شود تا آنجا که دوباره برخی زنان جرئت پیدا می‌کنند با چادر در کوچه و خیابان رفت‌وآمد کنند، البته چادر رنگی. در سندی که به تاریخ ۱۶ دی ۱۳۲۰ سیاه شده است، می‌خوانیم: «با وجود اینکه متجاوز از شش سال است که رفع حجاب در سراسر کشور عملی شده است، معذک، طبق گزارش‌های رسیده از شهرستان‌ها، غالبا در کوچه و بازار، زن‌ها با چادر نماز و گاهی هم با چادر سیاه دیده می‌شوند. چون به این ترتیب برخلاف سیاست دولت است، قدغن نمایند. شهربانی به نحو مقتضی جلوگیری نموده، متخلفین را به دادگاه خلاف جلب نمایند. نتیجه اقدامات را نیز اطلاع دهید.»

نخستین تظاهرات زنان در اعتراض به کشف حجاب

اما دامنه کشف حجاب رضاخانی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، ۴۲ سال بعد، سبب شکل‌گیری نخستین تظاهرات رسمی مردم مشهد علیه حکومت پهلوی شد، تظاهراتی که فقط زنان در آن شرکت داشتند، اتفاقی کم‌نظیر که تنها در ارض اقدس رخ داد و موجب راه افتادن موج انقلاب اسلامی در شهر شد. ماجرا از این قرار است که درست در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ و نیز در سالروز تصویب طرح کشف حجاب رضاخانی، وقتی تعدادی از زنان در بار می‌روند که به نشانه قدرانی گل‌نثار مجسمه رضاشاه کنند، گروهی از زنان طلبه مدرسه اسلام‌شناسی و حوزه علمیه بانوان با به دست گرفتن قرآن و پلاکارد، یک راهپیمایی آرام برگزار می‌کنند، اما مأموران دولتی با حمله، ضرب و شتم و دستگیری تعدادی از آنان، سبب خشم مردم می‌شوند. پس از این است که مردان نیز به خیابان‌های آیند و مبارزه علنی علیه حکومت پهلوی در مشهد کلید می‌خورد.

